



دکتر مرتضی رحیمی استادیار دانشگاه شیراز

پیشگفتار:

علی علیه السلام به عنوان اولین ایمان آورنده به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و به دلیل قرابت با ایشان و ویژگی های برجسته ای که دارا بودند، بالاترین موقعیت و جایگاه را نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و بیشترین ارتباط را با ایشان داشتند، در نهج البلاغه بارها ایمان قلبی و ارادت خود را نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله ابراز نموده و بارها به صور گوناگون از پیامبر صلی الله علیه و آله سخن به میان آورده و به بیان سنت رسول خدا پرداخته و خاطرات خود با پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان کرده و شخصیت ایشان را ترسیم نموده است، از این رو مراجعه به سخنان علی علیه السلام در خصوص شناخت شخصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بهترین منبع می باشد، این امر با توجه به آن که نهج البلاغه برادر قرآن است و پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام پیمان اخوت بسته اهمیت بیشتری می یابد، سخنان علی علیه السلام در خصوص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را می توان در عناوین زیر خلاصه نمود:



۱- رابطه علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله :

علی علیه السلام نزدیکترین ارتباط و جایگاه را نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته ، این ارتباط همان گونه که علی علیه السلام تصریح نموده اند ^(۱) ، از زمان کودکی علی علیه السلام و پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله شروع شده و تا زمان رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله ادامه داشته است، در زمان کودکی علی علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را در اتاق و محل استراحت خویش می خوابانید و بدن مبارک خویش را به بدن علی علیه السلام چسبانده و بوی پاکیزه خود را به علی علیه السلام بویانده و با دست مبارک خویش به دهان علی علیه السلام لقمه غذا می نهاده و هر روز نشانه تازه ای از اخلاق نیکو را به علی علیه السلام نشان داده و ایشان را به پیروی از آن دستور می داده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله که از زمان طفولیت فرشته ای از جانب خداوند مأمور تربیتش بوده ، با علی علیه السلام رابطه ای همانند رابطه مادر با فرزند داشته و پیش از بعثت خویش در هر سال چندین ماه را در غار حراء سپری می کرده و کسی جز علی علیه السلام او را مشاهده نمی نموده و پس از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در هیچ خانه ای مسلمانی راه نیافته جز آن که علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه سومین آنها بوده ، با تمام وجود نبوت پیامبر اسلام را حس کرده و هنگام نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله ناله شیطان را شنیده و از ایشان سؤال کرده که این ناله کیست ؟ و حضرت به ایشان پاسخ داده اند که این ناله شیطان است که از پرسش خود مأیوس گردید، علی تو آنچه را من می شنوم می شنوی و آنچه را من می بینم می بینی؛ جز آن که تو پیامبر نیستی بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می روی.

همچنین علی علیه السلام ^(۲) از ایمان آوردن درختی سخن گفته اند که به نوعی رابطه بسیار نزدیک و منزلت بالای ایشان را در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می دهد، چه آن که گروهی از قریش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و کنده شدن آن درخت را از ریشه و به نزد پیامبر آمدن آن را شرط ایمان خود به پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته اند، پس از آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند ای درخت اگر به روز قیامت ایمان داری و می دانی که من پیامبر و رسول اویم با ریشه خود برکنده شو تا به اذن خدا در مقابل من بایستی ، آن درخت به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله کنده شده و علی علیه السلام صدای

ایمان آوردن آن درخت را که صدایی مانند
 بال پرنده داشته شنیده و تصریح نموده که
 آن درخت آمد و در برابر رسول خدا ﷺ
 ایستاد و بلندترین شاخه های خود را بر
 سر رسول خدا ﷺ افکند و مقداری از
 شاخه های خود را بر دوش من که سمت
 رسول خدا ﷺ ایستاده بودم افکند و من گفتم
 لا اله الا الله یا رسول الله من نخستین ایمان
 آورنده به شما هستم و نخستین تصدیق
 کننده ایمان درخت و کنده شدن آن به
 فرمان خدا هستم.

و چنانچه خواهیم دید، پرسش های
 گوناگون علی علیه السلام از پیامبر ﷺ که در
 فضایی بسیار صمیمی و دوستانه صورت گرفته، و
 اخبار غیبی که علی علیه السلام از پیامبر ﷺ دریافت نموده و نیز شنیدن صدای درود
 ملائکه و ناله ایشان در هنگام غسل و کفن پیامبر ﷺ که توسط علی علیه السلام روی
 داده، و... از دلایل رابطه بسیار نزدیک پیامبر ﷺ و علی علیه السلام می باشند.

۲- ابراز ارادت علی علیه السلام نسبت به پیامبر ﷺ به صورت گوناگون:

علی علیه السلام ایمان و ارادت قلبی خود را به صورت گوناگون نسبت به پیامبر اسلام
 ﷺ نشان داده، این ابراز ارادت تا مرگ رسول خدا ﷺ و حتی پس از آن و در
 زمان خلافت علی علیه السلام در اشکال زیر نمود یافته است:

الف- ایمان به محمد:

علی علیه السلام ضمن بیان ایمان خود به محمد ﷺ خود را اولین تصدیق کننده
 پیامبر ﷺ نامیده است، چنانچه پس از واقعه نهروان و ذکر احوال خود از زمان
 رسول خدا ﷺ فرموده (۳):

«به فرمان خداوند در کنار پیامبر و پس از رسول حق در جنگ ها و مراحل
 سخت و دشواری که از رویارویی دشمن ضعف نشان می دادند بپا خواستم، آیا



تذکره شریف امام (ص) در شرح السیاده

به نظر شما به من به رسول خدا دروغ می بندم ؟
والله هرآینه من اولین کسی هستم که او را
تصدیق نمود، لذا اولین کسی که بر
او دروغ گوید نیستم»

این جملات در پاسخ کسانی
است که علی علیه السلام را در اخباری
که از رسول خدا صلی الله علیه و آله در امور
غیبیه نقل کرده متهم نموده و نسبت
دروغ داده و حتی با ایشان بگو مگوی
لغظی نمودند، بیان داشته اند.

همچنین در جای دیگر فرموده اند^(۴):
« دقت کردم صلاح این بود که اطاعت
فرمان رسول خدا، مقدم بر بیعت کردن
مردم با من باشد، یعنی فرمانبرداری رسول

خدا صلی الله علیه و آله در آن که امر کرده بود مرا بر ترک درگیری و نزاع از
بیعت نمودن مردم با من لازم تر بود راهی برای سرپیچی از فرمان پیامبر
نبود.»

این امر در جای دیگر نهج البلاغه^(۵) که علی علیه السلام از خود به عنوان اولین ایمان
آورنده و اولین تصدیق کننده پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیر نموده و اشاره نموده که اخباری
که از حقایق آینده داده از رسول خدا دریافت نموده است نیز به چشم می خورد،
در جای دیگر نیز فرموده اند^(۶):

«از اصحاب محمد آنانی که محرم اسرار اویند می دانند که من هرگز لحظه ای
از فرمان خدا و رسول خدا سرپیچی نکرده‌ام... رسول خدا جان تسلیم کرد و
سرش بر سینه من بود جانش بر کف دست من جاری شد ... غسل دادنش را
عهده دار شدم و ملائکه یاران من بودند سرای و بیرون سرای پر از زاری و ناله
ملائکه بود ... بر وی درود می فرستادند تا او را در مدفنش به خاک سپردم.»



ب- امان بودن رسول خدا

ﷺ با استناد به قرآن از پیامبر ﷺ به امان تعبیر نموده و پیامبر ﷺ را موجب امان از عذاب خداوند دانسته و فرموده (۷):

«دو امان از عذاب خدا روی زمین وجود دارد، یکی از آنها از دست رفته ولی دیگری در دست شماست پس به آن چنگ بزنید! اما امانی که از دست رفته پیامبر خدا ﷺ است و اما امانی که مانده استغفار و طلب آمرزش است خداوند به پیامبر ﷺ فرموده:

﴿ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ

اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴾ (انفال/۲۳) از همین روی است که در روایتی از امام باقر ﷺ به همین مضمون، رسول خدا ﷺ و استغفار دو حصن محکم در برابر خداوند دانسته شده اند.

ج- صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ : و صلوات فرستی

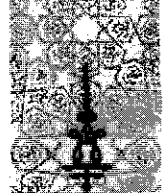
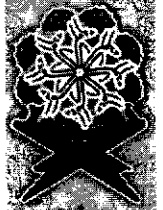
با توجه به توصیه پیامبر ﷺ در خصوص صلوات فرستادن بر ایشان، از جمله «بخیل کسی است که نام من نزد وی برده شود ولی بر من صلوات نفرستد» (۸) و موارد دیگر، علی ﷺ بارها در نهج البلاغه به صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ اقدام نموده است، توضیح آن که بر اساس برخی از روایات در ذیل تفسیر آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (احزاب/۵۶) صلوات خداوند و ملائکه و مؤمنین در مورد پیامبر ﷺ معانی متفاوتی دارند، چه آن که بر اساس برخی روایات «الصلوة من الله عزوجل رحمه و من الملائكة تزكية و من الناس دعاء» (۹) و بر اساس پاره ای از روایات



«الصلاة من الله تعالى هي الاكرام و التجليل و رفع المنزلة و الصلاة منا على النبي ﷺ هي الدعاء له بذلك»^(۱۰) و بر اساس نقلی دیگر «صلوات الله تزكية له و ثناء عليه و صلاة الملائكة مدحهم له و صلوة الناس دعاءهم له و التصديق و الاقرار بفضله»^(۱۱) دیدگاهها و اقوال یاد شده و مشابه آنها ضمن بیان چگونگی تفاوت صلوات خداوند و ملائکه و مؤمنین در مورد پیامبر ﷺ علت درخواست خود پیامبر ﷺ از امت خویش برای صلوات فرستادن بر ایشان را توجیه و بیان می دارد .

از این رو علی ﷺ بارها از طریق صلوات فرستادن بر پیامبر و آل پیامبر ﷺ ایمان و ارادت خود را نسبت به پیامبر نشان داده است ، چنانچه در خطبه ۶۹ به مردم آداب صلوات فرستادن بر پیامبر ﷺ را نشان داده و فرموده: «(خدایا) شریف ترین درودها و برترین برکات را بر محمد ﷺ رسول و بنده خود قرار بده پیامبری که انبیای پیشین به وی ختم گردید و راهگشای مشکلات آینده شد، دین حق را با دلیل و برهان برای مردم و ظاهر و آشکار گردانید و لشکریان باطل و ناحق را از میان برد ، هیبت و صولت گمراهان را در هم شکست ، خداوندا چنان که پیامبر ﷺ به دستور تو قیام کرد و بار سنگین رسالت را به دوش کشید و برای رضا و خشنودی تو ثبات قدم به خرج داد بی آن که در انجام وظیفه اش سستی بورزد و یا در اراده عزمش تردید و دو دلی پدید آید ، تو نیز بر او رحمت و درود فرست ، خدایا این محمد ﷺ پیامبر توست که وحی را ضبط و نگهداری کرد و بر پیمانان وفادار ماند»

دعاهای علی ﷺ نسبت به پیامبر ﷺ نیز به نوعی ارادت و ایمان و علاقه علی ﷺ را نسبت به پیامبر ﷺ نشان می دهد ، چنانچه فرموده^(۱۲): «پروردگارا ! برای پیامبر ﷺ در سایه لطف خود جای با وسعتی بگشای و از فضل و کرامت پاداش او را فراوان گردان ! خداوندا ، کاخ آیین او را از هر بنایی برتر و مقام او را در پیشگاه خود گرمی دار نورش را کامل گردان و پاداش رسالت او را پذیرش گواهی و شفاعت و قبول گفتار او قرار ده ... بار خدایا بین ما و پیغمبرت در نعمت های جاویدان و زندگانی خوش و آرزوهای برآورده و خواسته های به انجام رسیده در کمال آرامش و در نهایت اطمینان همراه با مواهب و هدایای با ارزش جمع گردان !»



علی علیه السلام در خصوص سایر پیامبران ، همچون حضرت موسی ، حضرت عیسی ، حضرت داود و... علیهم السلام نیز همراه با صلوات و درود فرستادن بر آنها از به نیکی و احترام یاد نموده است . (۱۳)

د- بیان فضایل آل محمد و تأکید و اهتمام نسبت به ایشان:

از جمله مواردی که اوج علاقه و میزان ارادت علی علیه السلام را نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می دهد آن است که با توجه به وابستگی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به پیامبر صلی الله علیه و آله و سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به امت خویش درباره ایشان، علی علیه السلام بارها در نهج البلاغه از جایگاه رفیع و فضایل اهل بیت سخن گفته اند ، چنانچه فرموده اند ^(۱۴): «عترت پیامبر صلی الله علیه و آله اهل بیت، جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی و نگهبان کتابهای آسمانی و کوههای همیشه استوار دین خدایند»

از طرفی با توجه به آن که پیامبر صلی الله علیه و آله حتی در زمینه صلوات فرستادن به صلوات کامل ، یعنی صلواتی که آل ایشان را در برداشته باشد ، سفارش نموده و از صلوات ناقص که آل ایشان را در پی نداشته باشد نهی نموده و فرموده: «لاتصلوا علی صلاة مبتورة اذا صلیتم علی ، بل صلوا علی اهل بیتی و لاتقطعوهم منی» ^(۱۵) و نیز «لاتصلوا علی الصلاة البتراء فقالوا و ما الصلاة البتراء فقال تقولون اللهم صل علی محمد و تسکون بل قولوا اللهم صل علی محمد و آل محمد» ^(۱۶)

علی علیه السلام همواره بر آل محمد تأکید و اهتمام داشته و به ایشان سفارش نموده‌اند، چنانچه ایشان را به ستارگان آسمان تشبیه کرده که هر گاه یکی غروب کند دیگری طلوع خواهد کرد ^(۱۷) شیعه با استدلال به همین سخن علی علیه السلام بر این باور است که هیچ زمانی از وجود قائمی از اهل بیت که مردم را به سوی خدا رهبری کند خالی نیست، از سویی بر اساس این تشبیه ، آل محمد همانند ستارگان که نقش راهنمایی مسافران را بر عهده دارند ، وظیفه ارشاد و راهنمایی مردم را بر عهده دارند . از همین روی علی علیه السلام ^(۱۸) در مواردی از افتخارات اهل بیت سخن می گویند و به وجود جعفر طیار ذوالجناحین و حمزه که از او به سید الشهداء تعبیر شده و پیامبر صلی الله علیه و آله فقط در هنگام نماز خواندن بر ایشان هفتاد تکبیر گفته‌اند، مباحثات نموده اند .

ه- دغدغه نسبت به

قطع شدن نسل

رسول خدا ﷺ :

از جمله مواردی که

نشان دهنده علاقه و ارادت

علی علیه السلام نسبت به

پیامبر صلی الله علیه و آله است آن است که

علی علیه السلام در ماجرای جنگ صفین

هنگامی که مشاهده می کند که فرزندشان امام

حسن علیه السلام شتابان به سوی جنگ با دشمن می رود خطاب به یارانش

می فرماید ^(۱۹): «این جوان را محکم گرفته و نگه دارید تا پشت مرا نشکند که

دریغم آید ، مرگ حسن و حسین را دریابد و با مرگ آنها نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله

از بین برود .»

سخن یاد شده از یک سو نشان دهنده میزان علاقه علی علیه السلام نسبت به

فرزندشان است و از سویی لزوم حفظ امامت و استمرار آن را نشان می دهد و

از طرفی ضمن تصریح به آن که حسین فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند ،

علی علیه السلام از لزوم حفظ نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن گفته و به این شکل علاقه و

ارادت خود را نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نشان داده است .

و- تشویق به برگرداندن امور شبیه ناک و نزاع به پیامبر صلی الله علیه و آله :

از جمله مواردی که علاقه و ارادت علی علیه السلام را نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان

می دهد آن است که علی علیه السلام در نامه ۵۳ که به مالک اشتر نوشته با استناد به

آیات « أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ » (محمد/۳۳) و « فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي

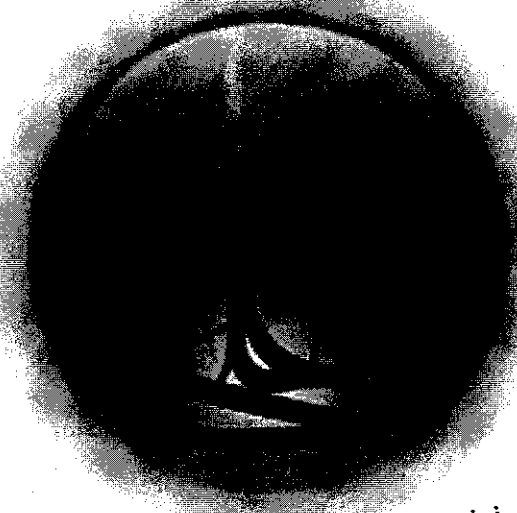
شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ » (نساء/۵۹) از مالک اشتر خواسته که با عمل کردن

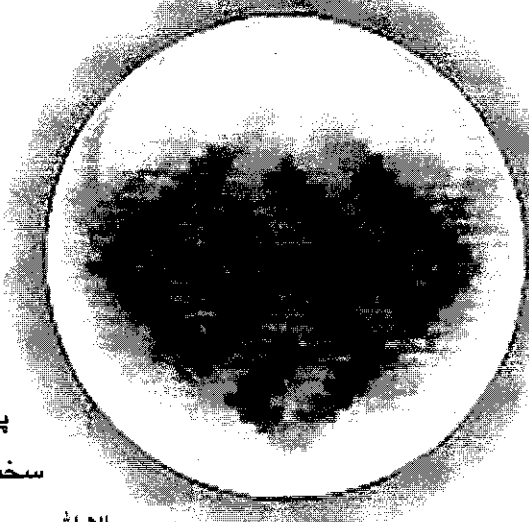
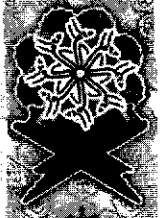
به قرآن، خدا را اطاعت کند و با بازگرداندن نزاع به پیامبر صلی الله علیه و آله به سنت

رسول خدا صلی الله علیه و آله که عامل وحدت است نه تفرقه ، عمل نماید، به عبارتی امام علیه السلام

اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در عمل نمودن به سنت رسول خدا و بازگرداندن

نزاع به ایشان دانسته اند .





ز- شهادت و گواهی به

رسالت پیامبر ﷺ :

علی علیه السلام ضمن بیان ارزش گواهی دادن به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر اسلام ﷺ در برخی از سخنانشان ، مثل : «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمد

عبده و رسوله ، شهادتان ترفعان القول و تضاعفان العمل خف میزان ترفعان منه و ثقل میزان تواضعان فيه و بهما الفوز بالجنة و النجاة من النار و الجواز علی الصراط»^(۲۰) بارها در نهج البلاغه به رسالت پیامبر اسلام ﷺ گواهی داده و به این وسیله ایمان و ارادت خود را نسبت به رسول خدا ﷺ نشان داده است، چنانچه پس از بازگشت از جنگ صفین در خطبه دو پس از گواهی به یگانگی خداوند فرموده: «و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر اوست که او را فرستاد با آیینی چون آفتاب تابنده ، پرآوازه و دانش برتر و کتابی نوشته شده و فروغی تابان...»

ح- احساس مسؤولیت در برابر امت محمد ﷺ :

علی علیه السلام همان گونه که در برابر دین و اهل بیت پیامبر ﷺ و کتاب آسمانی قرآن احساس مسؤولیت نموده و با تمام جان و دل به حمایت آنها برخاسته و در تأیید آنها سخن گفته ، پس از رحلت رسول خدا ﷺ نیز خود را در برابر امت محمد ﷺ که به تعبیر ایشان «انا و علی ابوا هذه الامة»^(۲۱) احساس مسؤولیت نموده که خود به نوعی نشان از ایمان و وفاداری و ارادت ایشان نسبت به پیامبر ﷺ است، چنانچه فرموده^(۲۲): «بدان که هیچ مردی بر سر و سامان دادن کار امت محمد ﷺ و ایجاد محبت و دوستی مابین آنها مشتاق تر از من نیست و من بدین وسیله پاداش خوب و نتیجه نیکو خواستارم و به زودی به آنچه بر عهده گرفته ام وفا خواهم کرد.»

ط- تأکید بر حرمت رسول خدا ﷺ :

علی رضی الله عنه همان گونه که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حرمت ایشان را نگه می داشت ، پس از وفات ایشان نیز به صور گوناگون نسبت به نگه داشتن حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله تشویق و سفارش نموده است ، به گونه ای در هنگام رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن بزرگ شمردن مصیبت از دست رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله از صبر بر این مصیبت سخن گفته و درخواست یکی از یارانش در خصوص خضاب نمودن محاسن خویش را رد نموده و فرموده ^(۲۳) : « خضاب زینت است ولی ما در مصیبت فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله به سر می بریم . »

نیز در خصوص مرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده ^(۲۴) : « پدر و مادرم فدای تو ای رسول خدا با مرگ تو رشته ای برید که در مرگ دیگران نبرید ، با مرگ تو رشته پیامبری و فرود آمدن پیام و اخبار آسمانی گسست ، مصیبت تو دیگر مصیبت دیدگان را به شکیبایی واداشت و همه را در مصیبت تو یکسان عزادار کرد ، اگر به شکیبایی امر نمی کردی و از بی تابی نهی نمی نمودی ، آن قدر اشک می ریختم تا اشک هایم تمام شود و این درد جانکاه همیشه در من می ماند و اندوهم جاودانه می شد ، که همه این ها در مصیبت تو ناچیز است ، چه باید کرد که زندگی را دوباره نمی توان بازگرداند و مرگ نمی شود مانع شد ، پدر و مادرم فدای تو ، ما را در پیشگاه پروردگارت یادکن و در خاطرت نگه دار . »

با توجه به این احترام بالای علی رضی الله عنه نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله است که در هنگام برپا شدن جنگ جمل از طلحه و زبیر و یارانشان که با آوردن عایشه به جنگ ، در حالی که همسران خود را پشت پرده نگه داشته و ناموس پیامبر صلی الله علیه و آله را همانند کنیزان به بازار برده فروشان کشانده و به بصره آورده بودند انتقاد نمودند ^(۲۵) .

۳- استناد به سخنان و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

علی رضی الله عنه بارها در نهج البلاغه و در فرصت های مناسب به سخنان و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله استناد نموده و مردم را نسبت به عمل نمودن به آنها تشویق و ترغیب نموده اند ، سخنان یاد شده از یک سو به جهت آن که مورد استناد

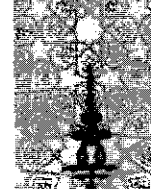
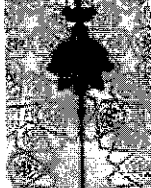
علی علیه السلام واقع شده‌اند اهمیت زیادی دارند و از سویی به عنوان راهکار برای جامعه اسلامی مفید می‌باشند، از همین روی تحقیق مستقل بر روی سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله که مورد استناد علی علیه السلام واقع شده‌اند مفید می‌نماید، از جمله آن سخنان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف - سؤال پیرامون نماز :

با توجه به اهمیت نماز در قرآن و سنت و تأکید عملی اسلام بر روی آن به لحاظ نقش مفید و سازنده و بازدارندگی از فحشاء و منکرات، علی علیه السلام از یک سو در خصوص نماز جماعت رعایت حال اضعف مأمومین را به امام جماعت توصیه می‌نمایند و در این خصوص به پرسشی از رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد نموده و می‌فرمایند ^(۲۶): « من از رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگامی که مرا به سوی یمن گسیل داشت سؤال کردم که چگونه با آنها نماز بگذارم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مانند نماز ضعیف‌ترین آنها با آنها نماز بگذار و نسبت به مؤمنین دلسوز و مهربان باش» از سویی علی علیه السلام به لحاظ اهمیت و نقش سازندگی و تربیتی که نماز دارد فرموده‌اند ^(۲۷): « نماز گناهان را همانند برگ درختان می‌ریزد و همچون قید و بندی که از گردن برداشته شود انسان را از گناه رها می‌سازد پیامبر گرامی اسلام که درود خدا بر او و خاندانش باد نماز را به چشمه آب گرمی تشبیه فرموده که بر در خانه کسی باشد و او در شبانه روز پنج بار خودش را در آن بشوید، بی شک چرکی در او باقی نخواهد ماند برخی از مؤمنان حق نماز را شناخته‌اند و نور چشمها، یعنی مال و فرزند آنها را از آن باز نمی‌دارد، خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ ﴾ پیامبر صلی الله علیه و آله با این که بهشت به او مژده داده شده بود برای اجرای امر خداوند که فرموده: « وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ أَصْطَبِرَ عَلَيْهَا » خود را در این باره به رنج می‌افکند و کسانش را به آن امر می‌نمود و بر آن شکیبایی می‌کرد»

ب - سخنان اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله :

برخی از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله که از مفاهیمی، چون انجام اعمال خوب، همراه بودن بهشت با سختی‌ها و مشقت‌ها و ایمان مورد استناد علی علیه السلام در نهج البلاغه واقع شده‌اند، که گسترده‌گی و وسعت استناد علی علیه السلام به سخنان



پیامبر ﷺ را در زمینه های گوناگون نشان می دهد، مثلاً در خصوص یاری کار خوب و دور شدن از کار بد به سخن پیامبر ﷺ استناد نموده اند که فرموده اند^(۲۸): «ای فرزند آدم کار نیک را انجام ده و کار بد را واگذار اگر چنین کنی در راه راست الهی قرار خواهی داشت» همچنین علی علیه السلام در تأیید مشقت و دشواری انجام طاعات که مطابق طبع و میل انسان نیستند، همچنین نافرمانی و عصیان که مطابق میل و غرایز انسان است به سخن پیامبر ﷺ استناد نموده اند که فرموده اند^(۲۹): «بهشت پیچیده شده به دشواری ها و جهنم پیچیده شده به شهوت ها و خواهش ها». همچنین علی علیه السلام در خصوص دقت و تدبیر و تعقل در سخن و بر زبان آوردن آن در صورتی که در آن خیر و صلاح باشد و دوری نمودن از روش منافقان که هر چه بر زبانشان می آید می گویند و به سود و زیان آن نمی اندیشند به سخن پیامبر ﷺ اشاره کرده اند که در آن فرموده اند^(۳۰): «به درستی که ایمان بنده استوار نیست تا آن که قلبش استوار باشد و قلبش مستقیم و پایدار نیست مادام که زبانش استوار نیست»

ج- دغدغه نسبت به منافقین:

با توجه به دو چهره بودن منافقین و آسیب هایی که به اسلام و مسلمانان زدند و آیاتی که به همین دلیل در مذمت و انتقاد از آنها نازل شد، پیامبر ﷺ با وجود پیروزی

بر منافقین و دیگر بدخواهان اسلام، از خطر منافقان برای جامعه اسلامی سخن می گویند و دغدغه خود را نسبت به آنها نشان می دهند، علی علیه السلام نیز همین دغدغه را داشته است و فرموده است:

انامد العسیر بربنا
عبد الله بن عباس



ایشان با منافقی همچون معاویه روبرو بوده اند، از همین روی در نامه ای به محمد بن ابی بکر فرموده اند ^(۳۱): «پیامبر اسلام ﷺ به من فرمودند بر امت اسلام نه از مومن و نه از مشرک هر اسی ندارم، زیرا مؤمن را ایمانش باز داشته و مشرک را خداوند به جهت شرک او نابود می سازد من بر شما از منافقی می ترسم که درونی دو چهره و زبانی عامانه دارد، گفتارش دلپسند و رفتارش ناپسند است.»

د- توضیح مفهوم فتنه و اخبار غیبی :

در قرآن بارها از فتنه سخن گفته شده، گاهی بدتر از قتل توصیف شده ﴿الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ﴾ ^(۳۲) و در بسیاری از موارد، از جمله ﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾ ^(۳۳) به معنای فتنه و آزمایش آمده، از سویی علی علیه السلام در نهج البلاغه از یک طرف از ورود به فتنه نهی فرموده ^(۳۴) و از طرفی از شر فتنه به خداوند پناه برده ^(۳۵) و از سویی با استناد به پرسشی که در این باره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نموده مفهوم آن را بیان داشته ^(۳۶)، چه آن که فرموده: «هنگامی که آیه ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾، نازل شد فهمیدم که تا رسول خدا در بین ماست فتنه نازل نشود، از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم که این چه فتنه ای است که خدا تو را به آن خبر داده؟

فرمود: ای علی پس از من امت اسلامی به فتنه و آزمون دچار می گردند، گفتم ای رسول خدا مگر نه این است که در روز احد که گروهی از مسلمانان به شهادت رسیدند و شهادت نصیب من نشد و سخت بر من گران آمد شما به من فرمودی ای علی مژده باد تو را که شهادت در پی تو خواهد آمد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «همانا این بشارت تحقق می یابد، در آن هنگام صبر تو چگونه است؟»

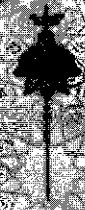
گفتم ای رسول خدا چنین موردی جای صبر و شکیبایی نیست بلکه جای مژده شنیدن و شکرگزاری است و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی همانا این مردم به زودی به اموالشان دچار فتنه و آزمایش می شوند و در دینداری بر خدا منت می گذارند، با این حال انتظار رحمت او را دارند و از قدرت و خشم خدا خود را امین می پندارند، حرام خدا را با شهادت دروغین و هوس های غفلت زا حلال

می کنند ، شراب را به بهانه آن که آب انگور است و رشوه را به بهانه آن که هدیه است و ربا را که نوعی معامله است حلال می شمردند، گفتم ای رسول خدا در آن زمان مردم را در چه پایه ای بدانم ؟ آیا در پایه ارتداد یا فتنه و آزمایش؟ فرمود: در پایه ای از فتنه و آزمایش»

چنانچه از این جملات برمی آید ، پیامبر ﷺ ضمن توضیح مفهوم کلمه فتنه ، از شهادت علی رضی الله عنه و پیدایش مردمی که در آینده به انواع حيله های شرعی متوسل می شوند خبر داده اند که خود می تواند از اخبار غیبی پیامبر و پیش بینی هایی ایشان ، که در نهج البلاغه به آن تصریح شده ، تلقی شود، همچنین فردی به نام انس نخعی از علی رضی الله عنه سؤال کرده که تعداد موهای سر و ریش من چه مقدار است؟ حضرت به ایشان فرموده اند ^(۳۷): «به خدا سوگند حبیب من رسول خدا ﷺ به من خبر داده که بر هر موی تو فرشته ای است که تو را لعنت می کند و بر هر موی ریشت شیطانی است که تو را گمراه می سازد و در خانه تو پسر ردلی است که فرزند رسول خدا ﷺ را خواهد کشت» در آن زمان فرزند انس ، (سنان) کودکی بازیگوش بود .

همچنین علی رضی الله عنه ^(۳۸) ضمن بیان ایمان آوردن درختی به پیامبر ﷺ اشاره نموده اند که قریش از ایشان خواستند که آن درخت از ریشه کنده شده و به نزد او آید تا به ایشان آورند، پیش از ایمان آوردن آن درخت و کنده شدن آن، پیامبر ﷺ به قریش خبر داده که برخی از شما در چاه خواهید افتاد ، و برخی دیگر به گروه های مختلف گرایش خواهید نمود . این امر از نشانه های صداقت پیامبر اسلام است ، چه آن که در جنگ بدر این اتفاق روی داده و افرادی ، چون عتبّه و شیبّه پسران ربیعّه و امیه بن عبد الشمس و ابوجهل و ولید بن مغیره و ... در چاه بدر ریخته شدند، و از سویی برخی ، همچون ابوسفیان ، عمرو بن عبدود، صفوان بن امیه و ... گروه های مختلفی تشکیل دادند .

از این گذشته علی رضی الله عنه اخبار زیادی از آینده داده ، از جمله کشته شدن عمار توسط سپاه معاویه، تعداد کشته های خوارج و سرنوشت خوارج و ... که طبق تصریح خودشان ^(۳۹) ، همه را از رسول خدا ﷺ دریافت نموده و شنیده اند .



هـ-استناد به سیره پیامبر ﷺ در برابر تندروی های خوارج :

چنانچه می دانیم خوارج طرفدار جنگ علی علیه السلام با معاویه بودند و پس از دسیسه عمروعاص در جنگ صفین شعار لاحکم الا لله را سر داده و علی علیه السلام را به پذیرش حکمیت مجبور نمودند ، اما پس از آن که در ماجرای حکمیت عمروعاص دسیسه نمود و ابوموسی اشعری را فریفت، دوباره دست به اعتراض برداشته و انجام گناه کبیره را موجب خروج از دین اسلام دانسته و از همین روی ، علی علیه السلام را به دلیل گناه کبیره ای که به زعم ایشان انجام داده کافر دانستند و مشکلاتی را برای مسلمانان پدید آوردند، علی علیه السلام در مقام اعتراض به خوارج و تبیین خطای آنها به سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر گناهکاران استناد نموده و فرموده اند^(۴۰):

«اگر اصرار دارید که من اشتباه کردم و گمراه شدم ، چرا همه پیروان محمد صلی الله علیه و آله را در گمراه بودن سهیم می دانید... شمشیرها را بر دوش خود گذاشته و بر گردن سالم و مریض می کوبید ، گناهکاران و بی گناهان را مخلوط می سازید ، آیا شما نمی دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله زناکاری را که همسر نداشت سنگسار نمود و سپس بر وی نمازگزارد و میراثش را به خانواده اش سپرد و قاتل را کشت و میراث او را به خانواده اش بازگرداند ، دست دزد را برید و زنا کاری را که همسر نداشت تازیانه زد و سهم آنان را از غنایم می داد تا با زنان مسلمان ازدواج کنند . پس پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را به خاطر

گناهشان کیفر داد و حدود الهی را بر آنها جاری

می ساخت اما سهم اسلامی آنها را از بین

نمی برد و نام آنها را از دفتر مسلمین

خارج نمی کرد ، شما خوارج بدترین

مردم و آلت دست شیطان و عامل

گمراهی این و آن می باشید»

و- نهی رسول خدا صلی الله علیه و آله از اموری :

با توجه با الگو و سرمشق بودن

پیامبر صلی الله علیه و آله که قرآن به آن سفارش نموده



و علی علیه السلام به آن سفارش و تشویق نموده است، در نهج البلاغه نهی هایی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به چشم می خورد که علی علیه السلام به آنها استناد و اشاره نموده اند این گونه نهی ها که بعضاً در زمینه فقه سیاسی و امور اجتماعی و... هستند از اهمیت به سزایی برخوردار هستند، از جمله:

(۱) - نهی رسول خدا صلی الله علیه و آله از بیع مضطربین:

توضیحاً گفته می شود که مضطر به کسی اطلاق می شود که خود را در فشار و تنگنایی بیابد و برای رهایی از آن به ضرورت و عقل به ناچار عملی را انجام دهد بدون آن که دیگری او را به این کار وادار نماید ، مثل آن که برای پرداخت بدهی های خود و یا هزینه بیمارستان خود و خانواده اش ناگزیر شود که در صورت نداشتن پول مورد نیاز به فروش منزل یا فرش زیر پا و یا زیور آلات خود اقدام کند . گاهی ممکن است که در هنگام اضطرار، اکراه و اجبار نیز وجود داشته باشد به این معنی که فردی به وسیله شخص دیگری مضطر شود مثل آن که فردی شخص دیگری را به پرداخت پولی مجبور کند و وی برای تهیه آن پول از روی اضطرار به فروش منزل خود اقدام کند .

با توجه به توضیح و نکته فوق ، پیامبر صلی الله علیه و آله از خرید و فروش اضطراری نهی نموده ، چه آن که این کار در هنگام ضعف و ناتوانی که فرد مضطر به آن دچار است ، انجام می شود و راه را برای ظلم و اجحاف دیگران به او باز می کند، از همین روی با توجه به نهی پیامبر صلی الله علیه و آله برخی ^(۴۱) به حرمت آن باور داشته و بسیاری از فقها ^(۴۲) به کراهت آن حکم نموده اند، علی علیه السلام نیز ضمن زشت شمردن این کار به نهی پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد استناد نموده اند . ^(۴۳)

(۲) - نهی رسول خدا صلی الله علیه و آله از امتکار:

با توجه به آن که احتکار برای سلامت اقتصادی جامعه مضر بوده و به اقشار جامعه مخصوصاً اقشار آسیب پذیر لطمه و صدمه می زند ، از این رو به صور

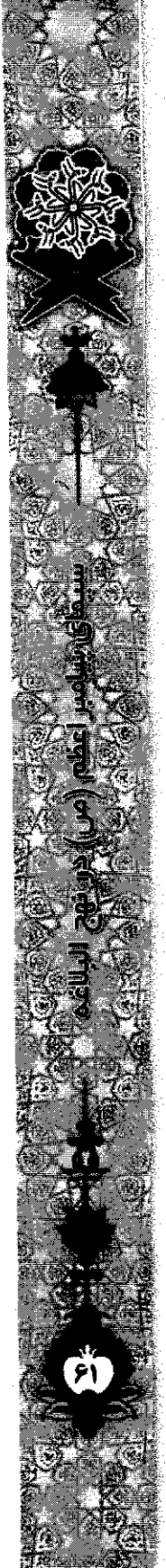


گوناگون مورد نکوهش و نهی قرار گرفته و پیامبر ﷺ از احتکار کننده با عنوان «ملعون» تعبیر نموده و فرموده: «الْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ»^(۴۴) به همین سبب علی علیه السلام این نهی پیامبر ﷺ را به عنوان یک دستور العمل به مالک اشتر انتقال داده و رعایت آن را از وی خواسته و فرموده: «در مورد بازرگانی که در حضور تو و یا اطراف مملک هستند در عین سفارش یاد آور می شوم که در میان آنها تنگ نظر، فوق العاده بخیل و محتکر وسایل راحتی مردم وجود دارد که در نرخ گذاری هم مطابق میل خود رفتار می کنند چنین وضعی برای مردم زیانبار و برای مردم تنگ است، لذا از احتکار جلوگیری کن، زیرا رسول خدا ﷺ از آن منع کرده... اگر بعد از اخطار و منع تو باز هم بازرگانی به احتکار دست بزند او را کیفر کن.»

(۱۳) - نهی رسول خدا ﷺ از مُثله کردن:

پس از ضربت خوردن علی علیه السلام در محراب عبادت و دستگیر شدن ابن ملجم، علی علیه السلام به تأسی از پیامبر ﷺ و قرآن و بر اساس قانون قصاص، خانواده خویش را در مورد ابن ملجم توصیه و سفارش فرموده و با توجه به رحمت و دلسوزی پیامبر ﷺ و نهی ایشان از مُثله نمودن مرده تصریح نموده اند که: «جَزَ قَاتِلِ مَنْ فَرَدَى رَا نَكْشِيدُ بَنْغَرِيدُ اِگَر مَن اَز ضَرْبَتِ اَو مَرْدَمِ اَو رَا تَنهَا يَك ضَرْبِه بَزْنِيدُ و دَسْتِ و پَا و دِيگَر اَعْضَايِ اَو رَا نَبْرِيدُ، چَه آن کَه اَز رَسولِ خُدَا ﷺ شَنِيدِم کَه مِي فَرمودِ^(۴۶)»

«از بریدن اعضای مرده هر چند که سگ دیوانه باشد پرهیزید.»



(۴) - نهی رسول خدا ﷺ از آن که امتی از حق خود بگذرد :

علی علیه السلام با استناد به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی یکی از عوامل فروپاشی حکومت ها به عنوان یک دستور العمل و آیین نامه مدیریتی دست گذاشته و کارگزارانش را به مفاد و رعایت آن توصیه نموده ، از همین روی با استناد به نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از این که امتی با ترس و لرز و وحشت و لکنت زبان بخواهد از مسؤولین جامعه حق خویش را مطالبه کند ، به والی خود مالک اشتر توصیه نموده که مردم باید برای گرفتن حق خویش به راحتی بتوانند بدون وحشت و دربان به تو مراجعه و از تو مطالبه حق خویش را کنند ، چه آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود ^(۴۷) : « پاک و مقدس نیاد امتی که در میان آنها حق ناتوان از توانا بی لکنت زبان گرفته نشود. »

(۵) - نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از نسبت دروغ دادن به ایشان :

با توجه به آن که دروغ بستن به پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومین علیهم السلام چهره واقعی اسلام را مخدوش نموده و باعث انحرافات و بروز بدعت ها در جامعه اسلامی است علی علیه السلام از این کار شدیداً نهی نموده و ضمن اشاره به عوامل اختلاف در نقل روایات و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله راویانی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل حدیث می کنند را به چهار دسته تقسیم نموده که عبارتند از : منافقان نفوزی ، اشتباه کارانی که چیزی را به اشتباه از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده اند ، ناآگاهانی که حدیث شناس نیستند و دسته آخر افرادی که حافظان راست کردار بوده و به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله دروغ نمی بندند ، از همین روی اشاره نموده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند ^(۴۸) : « در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله دروغ هایی به ایشان بسته شد ، ایشان ناگزیر شد که در این باره سخنرانی کند و بفرماید ، کسی که به عمد بر من دروغی ببندد ، نشیمنگاهش از آتش اتباشته شود. »

۴- صفات و خصوصیات پیامبر صلی الله علیه و آله

با توجه به قرابت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سبقت ایشان در ایمان آوردن به پیامبر صلی الله علیه و آله و ملازم بودن ایشان با رسول خدا صلی الله علیه و آله بدیهی است که تصویر دقیق و جالب و سازنده و راهگشا از پیامبر صلی الله علیه و آله توسط علی علیه السلام ارائه شود ، زیرا

همان‌گونه که علی علیه السلام اشاره فرموده اند ^(۴۹): «شما موقعیت مرا نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله در خویشاوندی نزدیک ، در مقام و منزلت ویژه می دانید ، پیامبر صلی الله علیه و آله مرا در اتاق خودش می خواباند، بدنش را به بدن من می چسباند، و بوی پاکیزه خود را به من می بویاند و گاهی غذایی را لقمه لقمه در دهانم می گذارد ، هرگز دروغی در گفتار من و اشتباهی در گفتار من نیافت ... پیامبر هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود و به من فرمان می داد که به او اقتدا نمایم .»

بدیهی است که علی علیه السلام که این اندازه به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک بوده و از همان کودکی با پیامبر صلی الله علیه و آله بوده به خصوصیات و ویژگی های شخصی رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار واقف باشد ، از همین روی است که در نهج البلاغه ویژگی‌هایی از شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله را بازگو نموده اند ، و با توجه به همین ویژگی‌ها و موارد دیگر ، رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسوه و سرمشق دانسته اند، این ویژگی‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

(۱) - تواضع و فروتنی :

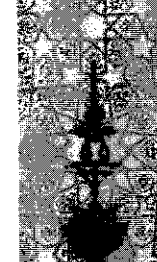
علی علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله فردی متواضع و فروتن ترسیم نموده اند ، این تواضع و فروتنی به شکل ها و صور گوناگون نمود یافته ، که علی علیه السلام به برخی از آنها در نهج البلاغه اشاره فرموده اند، از همین جهت صور یاد شده ، همه جلوه ها و اشکال تواضع پیامبر صلی الله علیه و آله را نشان نمی دهند، با توجه به آن که پیامبر صلی الله علیه و آله از خودش به عنوان عبد تعبیر نموده ، علی علیه السلام فرموده اند ^(۵۰): «به پیامبر پاکیزه و پاک خود اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگو طلبان ... همانا پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی زمین می نشست و غذا می خورد و چون برده ساده می نشست و با دست خود گفش خود را وصله می زد و جامه خود را با دست خود می دوخت و بر الاغ برهنه می نشست و دیگری را پشت سر خود سوار می کرد.»

(۲) - بی میلی و بی رغبتی نسبت به دنیا:

پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به دنیا بی میل و رغبت بوده ، همین خصوصیت و دیگر



تواضع پیامبر صلی الله علیه و آله در نهج البلاغه



خصوصیات پیامبر ﷺ همان گونه که از نهج البلاغه مشهود است ، تأثیر شگرفی بر شخصیت علی علیه السلام گذاشته ، و او را در عین شجاعت و مبارزه طلبی ، نسبت به دنیا بی میل و رغبت نموده است، علی علیه السلام در این باره فرموده اند^(۵۱): «محبوبترین بنده خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه او نهد ، پیامبر ﷺ از دنیا چندان نخورد که دهان را پرکند و به دنیا با گوشه چشم نگریست ، دو پهلویش از تمام مردم فرو رفته تر و شکمش از همه خالی تر بود، دنیا را به او نشان دادند اما نپذیرفت پرده ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود ، به یکی از همسرانش فرمود این پرده را از برابر چشمان من دور کن که هرگاه نگاهم به آن می افتد به یاد دنیا و زینت های آن می افتم، پیامبر ﷺ با دل از دنیا روی گرداند و یادش را از جان خود خود ریشه کن نمود و همواره دوست داشت تا جاذبه های دنیا از دیدگانش پنهان ماند و از آن لباس زیبایی تهیه نکند و آن را قرارگاه دائمی خود نداند و امید به ماندن در دنیا را نداشته باشد پس یاد دنیا را از چشم خود بیرون کرد و دل از دنیا بر کند و چشم از دنیا پوشاند، و چنین است کسی که چیزی را دشمن دارد خوش ندارد که به آن بنگرد یا نام آن نزد او بر زبان آورده شود.»

(۱۳) - از فداکاری و شدت عبادت:

پیامبر ﷺ ضمن بی میلی و بی علاقه نسبت به دنیا ، و چنانچه علی علیه السلام تصریح نموده اند^(۵۲) با وجود آن که به ایشان بهشت وعده داده شده بود، در خصوص نماز و توصیه آن به خانواده اش خود را به رنج می افکند.

(۱۴) - شجاعت:

با وجود آن که علی علیه السلام در شجاعت بی نظیر بوده و در جنگ ها و موقعیت های گوناگون این امر را به اثبات رسانده ، از شجاعت پیامبر ﷺ به عنوان یک خصوصیت خوب اشاره نموده و از دلگرمی خودش و مسلمانان به شجاعت پیامبر ﷺ سخن گفته و اشاره فرموده اند که^(۵۳): «هرگاه آتش جنگ شعله می کشید ما به رسول خدا ﷺ پناه می بردیم ، زیرا در آن لحظه کسی از ما همانند پیامبر ﷺ به دشمن نزدیکتر نبود ، وقتی ترس از دشمن بزرگ می نمود و جنگ به گونه ای می شد که گویا جنگجویان را می خواهد در کام خود فروبرد ،

مسلمانان به پیامبر ﷺ پناهنده می شدند تا رسول خدا ﷺ شخصاً به نبرد پردازد و خداوند به وسیله او نصرت و پیروزی را بر آنان نازل فرماید و در سایه آن حضرت ایمن گردند.»

پیامبر ﷺ نه تنها خودشان در جنگ پیش قدم بودند، بلکه بر اساس تصریح علی (ع)^(۵۴) در هنگام زبانه کشیدن آتش جنگ و هجوم دشمنان، اهل بیت خودشان را پیش می فرستادند تا به این وسیله آنها اصحاب خویش را از سوزش شمشیرها و تیرها حفظ نمایند، چنانچه عبیده بن حارث در جنگ بدر، حمزه در جنگ احد و جعفر در جنگ مته شهید شدند، و کسان دیگری که نام آنها را ذکر نکرده و فرموده اند که اگر می خواستم نامشان را می بردم.

۵- نبوت پیامبر ﷺ و تأثیر آن بر جامعه عرب

قسمت های زیادی از آنچه که در نهج البلاغه راجع به پیامبر ﷺ به چشم می خورد در خصوص نبوت پیامبر اسلام و تأثیر مثبت و سازنده آن بر جامعه عربستان اختصاص یافته است، با توجه به آن که علی (ع) خود شاهد اوضاع عربستان در پیش از بعثت بوده و تغییرات شگرفی که توسط پیامبر ﷺ در محیط عربستان ایجاد شده را مشاهده و با جان و دل دریافته اظهارت علی (ع) در این باره از اهمیت به سزایی برخوردار است.

نیز از سویی تا اوضاع عربستان پیش از بعثت پیامبر اسلام ﷺ روشن نشود اهمیت کار پیامبر ﷺ روشن نمی شود، از همین روی علی (ع) در خطبه ۱، ضمن بیان فلسفه و بعثت پیامبران و ذکر نام برخی از



پیامبران پسین توسط پیامبران پیشین و ذکر برخی از پیامبران پیشین توسط پیامبران پسین از اوضاع عربستان پیش از بعثت پیامبر اسلام ﷺ سخن گفته و اوضاع و باورهای مذهبی آنها را بازگو نموده و مردم آن زمان را به چند دسته تقسیم فرموده و از مذاهب پراکنده آنها سخن گفته اند، به این صورت که برخی از مردم در پیش از ظهور اسلام به تشبیه قائل بودند و برای خداوند شریک در نظر می گرفتند که مجوس و مسیحیان از این دسته به حساب می آمدند، همچنین بسیاری از یهود که برای خداوند صفاتی همانند مخلوقات بیان می داشتند از این گروه به شمار می آمدند.

دسته دوم از کسانی که در محیط عربستان پیش از اسلام وجود داشتند و مورد اشاره علی علیه السلام قرار گرفته اند بت پرستانی بودند که بر بت های خویش نام خدا نهاده و آنها را واسطه بین خود و خدا می دانستند، و گروه سوم کسانی بودند که به غیر خدا اشاره می کردند، مثل دهریه که طبیعت را خالق هستی می دانستند و نیز بت پرستان و ماه پرستان و ستاره پرستان که برای بت ها و ستارگان اصالت قائل بوده و آنها را خدا تلقی می نمودند. در چنین شرایطی پیامبر اسلام ﷺ ظهور نمود و در محیط عربستان تحولی عجیب ایجاد کرد و از چنین مردمی، افرادی موحد و مؤمن و آراسته به ارزشهای انسانی و اخلاقی ساخت.

فتنه هایی که در جامعه عربستان پیش از بعثت پیامبر اسلام ﷺ وجود داشتند نیز از جمله مواردی هستند که توسط علی علیه السلام توصیف گشته (۵۵) و اشاره شده که پیش از بعثت پیامبر اسلام ﷺ راههای فرار از فتنه بسته و مسدود بوده و در چنین شرایطی هدایت فراموش شده و گمراهی و نابودی همه را فرا گرفته و ایمان بدون یار و یاور مانده بود و مردم از شیطان پیروی می کردند، این در حالی بوده که مردم در کنار کعبه بهترین خانه خدا قرار داشتند و پس از آن به فضایل آل پیامبر علیهم السلام که موجب خروج مردم از این وضع اسف بار شده و تحولی شگرف در جامعه عربستان و غیر آن ایجاد نمودند اشاره فرموده اند. در جای دیگری عربستان پیش از بعثت را این گونه ترسیم نموده اند (۵۶):

«خدا پیامبر اسلام را در حالی به پیامبری مبعوث کرد که مردم در حیرت و



سرگردانی بودند و در فتنه ها بسر می بردند ، هوی و هوس بر آنها چیره شد و خود بزرگ بینی و تکبر به لغزش های فراوانشان کشانده بود و نادانی های جاهلیت پست و خوارشان کرده و در امور زندگی حیران و سرگردان بودند و بلای جهل و نادانی دامنگیرشان بود پس پیامبر در نصیحت و خیر خواهی نهایت تلاش را کرد و آنان را به راه راست راهنمایی و از راه حکمت و موعظه نیکو مردم را به خدای دعوت فرمود»

اوضاع رقت بار و اسفبار عربستان پیش از بعثت پیامبر اسلام ﷺ به آنچه گذشت خلاصه و محدود نمی شود بلکه بر اساس تصریح علی رضی الله عنه (۵۷) مردم بدترین آیین را داشتند و در بدترین جاها به سر برده و در زمین های ناهموار و سنگلاخ می زیستند و با مارهای سخت و کر هم خانه بودند ، آب تیره می نوشیدند و غذای درشت و خشن می خوردند و خون یکدیگر می ریختند و از خویشان خود بریده و در میان آنها بت برپا بود و غرق در گناه بودند .

پس از این اوضاع اسفبار عربستان است که ظهور پیامبر اسلام ﷺ (۵۸) موجب ریشه کن شدن دشمنی ها شده و آتش اختلافات و جنگ های داخلی را خاموش نموده و نژادهای گوناگون با هم برادر گشته و اجتماع کفار به وسیله ایشان پراکنده و ستمگران با عزت و شرف خوار شده و مؤمنان خوار به وسیله ایشان شرف کرامت و عزت بخشیده شده اند، آیه

﴿... وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ

أَخْوَانًا...﴾ (۵۹) که در همین باره مورد استناد

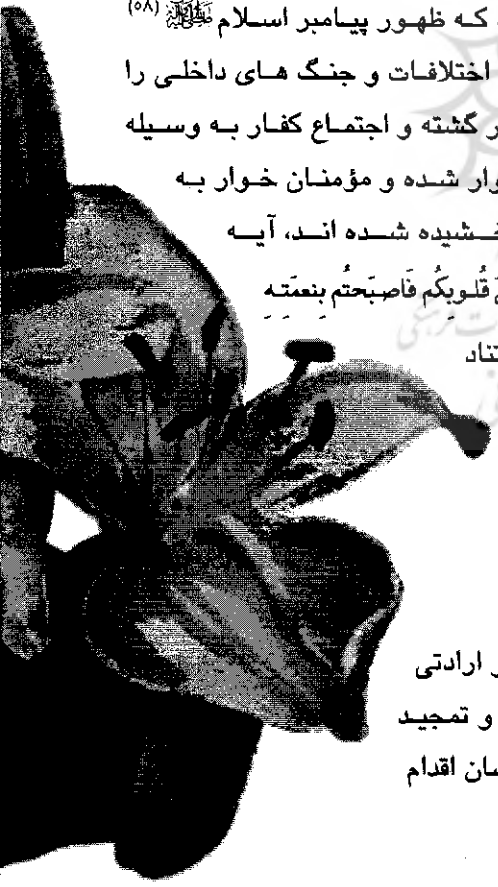
علی رضی الله عنه واقع شده به از بین رفتن مصایب

یاد شده توسط اسلام و پیامبر اسلام ﷺ

اشاره دارد .

۶- فضایل و مناقب پیامبر ﷺ :

علی رضی الله عنه با توجه به ایمان و اعتقاد قلبی و ارادتی که به پیامبر ﷺ داشته بارها به تعریف و تمجید پیامبر ﷺ پرداخته (۶۰) و به بیان فضایل ایشان اقدام



نموده است که می توان در این باره به موارد زیر اشاره نمود:

(۱)- شرافت قرارگاه (محل تولد یا حسب و نسب پیامبر ﷺ)، چه آن که مکه به لحاظ آن که ام القری بوده و نیز به دلیل آن که مطلوب خلق خدا و جایگاه کعبه و یا جایگاه جود و عنایت خداوند بوده و محل عبادت پیامبر اسلام ﷺ بوده شرافت و جایگاه خاصی داشته و از همین روی محل امن تلقی شده است .

(۲)- شرافت جایگاه حکومت پیامبر، یعنی مدینه .

(۳)- پرورش پیامبر ﷺ در کانهای کرامت و بزرگواری و سلامت و رستگاری، و یا دگرگونی در روش ها و سنتها که زمینه تکامل و رشد اخلاق پسندیده است .

(۴)- تمایل نیکوکاران به پیامبر ﷺ که می تواند معلول ویژگی های ممتاز و شخصیت برجسته و خصوصیات اخلاقی ایشان ، از جمله تواضع و فروتنی ، امین بودن ، خوش خلقی و... ایشان باشد .

(۵)- خیره شدن چشمان اهل بصیرت به پیامبر ﷺ .

(۶)- از بین رفتن کینه ها و دشمنی های مردم توسط پیامبر ﷺ و ایجاد الفت و برادری در بین افراد مؤمن .

(۷)- اجتماع کفار توسط پیامبر ﷺ پراکنده و از میان رفته و ستمگران با عزت و شرف توسط ایشان خوار و ذلیل شده و در مقابل، مؤمنین توسط ایشان از جایگاه و شرافت و عزت بالا برخوردار شده اند .

(۸)- کلام رسول خدا ﷺ که بیان کننده حقایق بوده و در عین حال از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار بوده و حق را از باطل جدا می نموده است .

(۹)- سکوت پیامبر ﷺ که حکمت و ترجمان دقیقی بوده است ، چه آن که سکوت

پیامبر ﷺ از دو جهت حاوی بیان و توضیح بوده که عبارتند از:

الف- پیامبر اسلام ﷺ از بیان آنچه که بیانش نادرست و زشت



بوده خودداری می نموده ، مردم از سکوت پیامبر ﷺ در می یافتند که موضوع یاد شده مطلوب پیامبر ﷺ نیست لذا نباید پیرامون آن سخنی بگویند .

ب- در برخی مواردی صحابه در حضور پیامبر ﷺ کاری انجام می دادند و یا سخنی بر زبان می آوردند، و پیامبر ﷺ سکوت می فرمودند، صحابه از سکوت پیامبر ﷺ در می یافتند که سخن یا کار یاد شده مجاز بوده و به عبارتی تقریر پیامبر ﷺ و سکوت ایشان احکام الهی را بیان می نموده است .

(۱۰)- بهترین بودن خویشان پیامبر ﷺ و خاندان و نژاد ایشان، از همین روی علی علیه السلام بارها به تعریف و تمجید و ستایش و بیان مناقب اهل بیت پیامبر ﷺ پرداخته اند . از همین روی از پیامبر ﷺ نقل شده که فرموده اند ^(۱۱): «من و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر بزرگ اهل محشر و دنیا هستیم و خداوند از میان قبیله بنی نضیر هشتم را و از میان قبیله بنی هاشم مرا برگزید... جبرئیل به من گفت ای محمد من شرق و غرب زمین را گشتم و از تو گرامی تر و از قبیله بنی هاشم خانواده ای شایسته تر ندیدم»

(۱۱)- پیشوایی پیامبر ﷺ برای پرهیز گاران که خود تقوا و پرهیزکاری ایشان را در حد اعلی نشان می دهد .

(۱۲)- روشنی دیده هدایت یافتگان بودن پیامبر ﷺ

(۱۳)- پیامبر ﷺ نقش هدایتگری بر عهده داشته و از لحاظ علم و نقش هدایتی که برای مردم داشته به چراغی تشبیه شده که روشنایی درخشان دارد و نیز ستاره ای که انوارش تابان است ، همچنین آتش زنه ای که که شعله اش در برق و لمعان می باشد .

(۱۴)- پیامبر ﷺ از روش استقامت برخوردار بوده و از طریق انجام وظیفه، در برابر مشکلات مقاومت می نموده است، چنانچه آیه ﴿ طه * مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴾ (طه/۲) شاهد آن است، و از سویی بر اساس تصریح علی علیه السلام در خطبه ۷۱ پیامبر ﷺ برای خشنودی خدا گام بر داشته و حتی یک قدم به عقب بر نگشته و اراده ایشان سست نگردیده است .

(۱۵)- شهرت و شناخته بودن پیامبر ﷺ و صفات ایشان برای پیشینیان .

(۱۶)- برخوردار بودن پیامبر ﷺ از مقام قرب و لقای خداوند ، مرتبه ای که برای

هیچکس دیگر فراهم نشده است.

(۱۷) - قبض روح پیامبر ﷺ که بزرگوارانه و از روی احترام انجام شده است، و همچنین رها شدن ایشان از بلا و مصیبت.

(۱۸) - ارسال ایشان با دینی آشکار، و نشانه و معجزه پایدار و محکم قرآن

(۱۹) - پیامبر ﷺ برگزیده خدا و سفیر وحی خدا و رسول رحمت اوست.

(۲۰) - پیامبر ﷺ در پذیرش وحی خداوند نیرومند بود و حافظ و نگهبان عهد

و پیمان خداوند.

(۲۱) - پیامبر ﷺ شاهد و گواه خداوند در روز قیامت است.

(۲۲) - پیامبر ﷺ از امتیاز شفاعت برخوردار است.

از این ها گذشته فضایل و مناقب دیگری برای پیامبر ﷺ بیان شده (۱۲) که می توانند شرایط لازم برای رهبر باشند، از آن جمله: امین وحی خداوند بودن پیامبر ﷺ، خاتم پیامبران بودن ایشان و این که ایشان بشارت دهنده بخشایش و بیم دهنده عذاب خداوند می باشند.

پی نوشتها:

- | | |
|--------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱) خطبه ۱۹۲ و خطبه ۱۶۲ | ۱۷) محمدی مقدم، ترجمه ابن میثم، ج ۳، ص ۱۳ |
| ۲) همان خطبه ۱۹۲ | خطبه ۹۷ |
| ۳) قزوینی، شرح نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۱۵۷ | ۱۸) حکمت ۲۸ |
| ۴) محمدی مقدم، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۲، ص ۲۰۸، خطبه ۲۶ | ۱۹) خطبه ۲۰۷ |
| ۵) محمدی مقدم، همان، ج ۲، ص ۴۱۶، خطبه ۶۸ | ۲۰) الکافی، ج ۸، صص ۱۸ و ۱۹ |
| ۶) آیتی، ج ۱، ص ۴۵۹، خطبه ۱۸۸ | ۲۱) تفسیر نور النقلین، ج ۴، ص ۲۳۸ |
| ۷) محمدی مقدم، همان، ج ۵، ص ۴۸۲، حکمت ۸۰ | ۲۲) محمدی مقدم، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۳، ص ۸۰۶، خطبه ۸۹ |
| ۸) طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۳۱۲ | ۲۳) حکمت ۴۷۳ |
| ۹) فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۱۶۱ | ۲۴) دشتی، خطبه ۲۲۵ |
| ۱۰) ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۴۳ | ۲۵) دشتی، خطبه ۱۷۲ |
| ۱۱) تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۶ | ۲۶) عبده، ج ۳، ص ۱۰۳ |
| ۱۲) دشتی، خطبه ۷۱ | ۲۷) ابن میثم، ترجمه محمدی مقدم، ج ۳، ص ۸۳۹، خطبه ۱۹۰ و آیات به ترتیب نور/۳۸ و طه/۳۲ |
| ۱۳) عبده، محمد، ج ۲، ص ۵۷ | ۲۸) دشتی، ج ۱، ص ۹۷، خطبه ۱۷۶ |
| ۱۴) خطبه ۲ | ۲۹) مکارم، ج ۱، ص ۳۹۰، خطبه ۱۷۵ |
| ۱۵) بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۶۷ | ۳۰) مکارم، خطبه ۱۷۵ |
| ۱۶) خصائص الوحی، ص ۷۰۷ | ۳۱) دشتی، ج ۱، ص ۱۸۳، نامه ۲۷ |
| | ۳۲) البقره/۱۹۱ |

۴۷) خوبی، منهاج البراعة، ج ۲۰، ص ۲۸۴، نامه ۸۲
 ۴۸) زمانی، ج ۱، ص ۸۰۶، خطبه ۲۰۱
 ۴۹) دشتی، ج ۱، ص ۱۱۸
 ۵۰) دشتی، ج ۱، ص ۶۸، خطبه ۹۸
 ۵۱) دشتی، همان
 ۵۲) ابن میثم، ترجمه محمدی مقدم، ج ۳، ص ۸۳۹
 ۵۳) عبده، ج ۴، ص ۶۱، خطبه ۶۱
 ۵۴) دشتی، ج ۱، ص ۱۴۶، نامه ۹
 ۵۵) خطبه دوم نهج البلاغه
 ۵۶) دشتی، ج ۱، ص ۴۷، خطبه ۹۵
 ۵۷) خطبه ۲۶
 ۵۸) خطبه ۹۵
 ۵۹) آل عمران/ ۱۰۳
 ۶۰) محمدی مقدم، ترجمه نهج البلاغه ابن میثم، ج ۲، ص ۸۴۱، خطبه ۹۳ و نیز: همان، ج ۲، ص ۸۳۰، خطبه ۹۱، خطبه ۱، خطبه ۲، خطبه ۹۸، خطبه ۷۱
 ۶۱) محمدی مقدم، ترجمه ابن میثم، ج ۲، ص ۸۳۰
 ۶۲) خطبه ۱۷۳/ و خطبه ۹۱

۳۲) انفال/ ۲۸
 ۳۴) «کن فی الفتنه کابن اللیون لظاهر فیرکب و لاضرع فیحلب» (حکمت ۱)
 ۳۵) «انی اعوذ بک من الفتنه» حکمت ۹/
 ۳۶) عبده، ج ۲، ص ۴۹
 ۳۷) محمدی مقدم، ترجمه ابن میثم، خطبه ۳۷
 ۳۸) محمدی مقدم، ترجمه نهج البلاغه ابن میثم، ج ۴، ص ۵۴۱، خطبه ۲۳۴
 ۳۹) محمدی مقدم، همان، ج ۲، ص ۴۱۶، خطبه ۶۸
 ۴۰) خطبه ۱۲۷
 ۴۱) ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۱۹
 ۴۲) کتاب البیع، خمینی، روح الله، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۰۷
 ۴۳) ابن ابی الحدید، همان
 ۴۴) بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، ج ۵۹، ص ۲۹۲
 ۴۵) زمانی، مصطفی، ۸۵۸/۱، نامه ۵۳
 ۴۶) زمانی، ج ۱، ص ۷۸۵، نامه ۵۳

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- قرآن مجید
- ۲- آیتی، عبد الحمید، «ترجمه نهج البلاغه»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بنیاد نهج البلاغه، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۷ش
- ۳- ابن ابی الحدید، عزالدین عبد الحمید، قاهره، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق
- ۴- ابن البطریق، شمس الدین یحیی، ۱۳۱۷ق «خصائص الوصی»، قم
- ۵- الحویزی العروسی، عبد علی بن جمعه، «تفسیر نور الثقلین»، مؤسسه اسماعیلیان، قم ۱۳۱۲ق
- ۶- خمینی، امام روح الله، «کتاب البیع»، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۱۰ق
- ۷- خوبی، میرزا حبیب الله، «منهاج البراعة»، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۰۵ق
- ۸- دشتی، محمد، «ترجمه نهج البلاغه»، نشر مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین، چاپ اول، سال ۱۳۷۶ش
- ۹- زمانی، مصطفی، «ترجمه و شرح نهج البلاغه»، انتشارات نبوی، چاپ نهم، سال ۱۳۷۶ش
- ۱۰- طبرسی، ابونصر حسن بن فضل، «مکارم الاخلاق»، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ق
- ۱۱- عبده، محمد، «نهج البلاغه»، تهران، مؤسسه الاعلمی
- ۱۲- فیض کاشانی، محسن، «تفسیر الصافی»، مؤسسه الهادی، قم، ۱۳۱۶ق
- ۱۳- قرزینی، محمد صالح بن محمد، «شرح نهج البلاغه»، تهران، ۱۳۸۰ق
- ۱۴- القمی، ابراهیم، «تفسیر القمی»، مؤسسه دارالکتب، قم، ۱۴۰۲ق
- ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب «الکافی»، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، سال ۱۳۸۸ق
- ۱۶- مجلسی، محمد باقر، «بحار الانوار»، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق
- ۱۷- محمدی مقدم، «ترجمه نهج البلاغه ابن میثم»، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۷۵ش
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر «شرح نهج البلاغه»، مؤسسه مطبوعاتی هدف، چاپ ششم

